



- روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
- صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
- مدیر مسئول: سید هادی فیاضی
- نشانی: میدان شهدا، نیش دانشگاه ا
- دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۱۱
- نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
- روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
- شماره پیامک: ۳۰۰۷۲۸۹
- چاپ: شهر چاپ خراسان



روزنامه شهر امید و زندگی

SHAHRARANEWS.IR

۴شنبه

۳۶ صفحه ۱۲ صفحه ۴۰ صفحه ورزشی

۴۴ صفحه کوله پستی ۱۶۴ صفحه شهر را محله

شماره ۱۳۸۷ ۱۰۰۰ تومان

میتوان نامۀ اخلاق حرفه‌ای

Photoshahr.ir

۲۹٪ رطوبت هوا

۱۳°↓ ۲۷°↑

۲۴° ظهر

۲۰° صبح

۲۳° عصر

۱۹° شب

اذان ظهر ۱۲:۳۲

غروب آفتاب ۱۹:۰۸

اذان صبح فردا ۴:۳۰

طلوع آفتاب فردا ۵:۵۹

نیمه شب شرعی ۲۳:۴۹



حدیث روز

هر که گرفتاری هومنی را بر طرف کند، خداوند گرفتاری های دنیا و آخرتی را بر طرف می کند .

امام حسین (ع)

فلز از صحنه بجای

خدا یا! پیروان رسولان و تصدیق کنندگانشان که عبارت‌اند از مردم روی زمین، آن مردمی که تصدیقشان، قلبی و درونی بود، آن هم زمانی که دشمنان با تکذیب رسالت رسولان، به مخالفت با آنان برخاستند، ولی پیروان و تصدیق کنندگان، به کمک حقایق، ایمانی، مشتاقانه به طرف رسولان روی آوردند؛ در هر روزگار و زمانی که رسولی فرستادی و برای مردم آن روزگار و زمان، چراغ راه و دلیل و برهان برپا کردی، از زمان آدم تا دوران محمد صلی... علیه و آله، از پیشوایان هدایت و فرماندهان اهل تقوا، بر همه آنان سلام باد. خدا یا! آنان را از سوی خود، به آموزش و خشنودی یاد کن.

چه کچ رفتاری ای چرخ

برای ۵ شهریور، تولد غلامرضا تختی

بودند و این «بهمان» - یا همان چیز خوب- در آن روزگار ارج و قربی داشت که حالا ندرده و تف به این روزگار و... ولی به نظرم مردم در هیچ دوره‌ای حوصله خیلی خوب بودن را نداشته‌اند. حینش و شجاعتش را نداشته‌اند. همان طوره که در زمانه تختی نداشتند؛ که اگر این نبود تختی اصلا این طور به چشم نمی آمد. کسی او را نمی دید، عوزی میان انبوه آدم‌هایی که ظاهرا عوزی نیستند و دارند همان کاری را می کنند که باید بکنند.

می رود یک وصله ناچور است. یک آدم عوزی میان انبوه آدم‌هایی که ظاهرا عوزی نیستند و دارند همان کاری را می کنند که باید بکنند.

خصوصیاتی که جهان پهلوان تختی با آن‌ها تعریف می شود، چیزهایی که از آن به عنوان سجایای اخلاقی او یاد می کنند و وقتی می خواهند زندگی اش را بگویند رویشان تاکید می کنند، رفتارهایی است که برای همان موقع و همان سال‌ها هم غیرعادی، توی چشم و وصله ناچور است. به نظرم «خیلی خوب بودن» در هر زمانه‌ای و هر جایی وصله ناچور است. صورت غالب جهان نیست. خیلی خوب بودن در هیچ زمانه‌ای انتخاب اول آدم‌ها نبوده است؛ چون خوب نبودن و معمولی بودن و همین طوری باری به هر جهت بودن همیشه آسان تر است. راحت تر است و کیست که سراغ کار آسان تر نرود؟ خوب بودن یعنی دردسر، یعنی مکافات، یعنی مسئولیت. همیشه فکر می کنم ما که این فرصت را نداشته‌ایم که در همه زمانه‌ها و دوره‌ها زیست کنیم؛ فقط تصویری داریم مبنی بر اینکه در فلان دوره، مردم بهمون جور



حبیبه جعفریان
نویسنده و روزنامه‌نگار

بودند و این «بهمان» - یا همان چیز خوب- در آن روزگار ارج و قربی داشت که حالا ندرده و تف به این روزگار و... ولی به نظرم مردم در هیچ دوره‌ای حوصله خیلی خوب بودن را نداشته‌اند. حینش و شجاعتش را نداشته‌اند. همان طوره که در زمانه تختی نداشتند؛ که اگر این نبود تختی اصلا این طور به چشم نمی آمد. کسی او را نمی دید، عوزی میان انبوه آدم‌هایی که ظاهرا عوزی نیستند و دارند همان کاری را می کنند که باید بکنند.

خصوصیاتی که جهان پهلوان تختی با آن‌ها تعریف می شود، چیزهایی که از آن به عنوان سجایای اخلاقی او یاد می کنند و وقتی می خواهند زندگی اش را بگویند رویشان تاکید می کنند، رفتارهایی است که برای همان موقع و همان سال‌ها هم غیرعادی، توی چشم و وصله ناچور است. به نظرم «خیلی خوب بودن» در هر زمانه‌ای و هر جایی وصله ناچور است. صورت غالب جهان نیست. خیلی خوب بودن در هیچ زمانه‌ای انتخاب اول آدم‌ها نبوده است؛ چون خوب نبودن و معمولی بودن و همین طوری باری به هر جهت بودن همیشه آسان تر است. راحت تر است و کیست که سراغ کار آسان تر نرود؟ خوب بودن یعنی دردسر، یعنی مکافات، یعنی مسئولیت. همیشه فکر می کنم ما که این فرصت را نداشته‌ایم که در همه زمانه‌ها و دوره‌ها زیست کنیم؛ فقط تصویری داریم مبنی بر اینکه در فلان دوره، مردم بهمون جور

تاریخ‌نگار

بازگشت تقویم کشور از شاهنشاهی به هجری شمسی

یکی از نمادهای هر کشوری تقویم آن است. تقویم‌ها معمولا برپایه یک واقعه مهم دینی یا تاریخی تنظیم شده‌اند، به طور مثال تقویم میلادی برپایه سال تولد حضرت عیسی (ع)، تقویم‌های هجری قمری و شمسی برپایه سال هجرت پیامبر اکرم (ص) از مکه به مدینه تنظیم شده‌اند. در این بین گاهی برخی حاکمان برای اینکه خود را برتر از سایر پیشینیان نشان دهند یا خط قرمزی برگزیده‌ای که به هر دلیل قبول ندارند، بکشند، تقویم کشوری را که آن را اداره می کرده‌اند، تغییر داده‌اند. یکی از آخرین نمونه‌های شناخته شده بین‌المللی این اقدام، حرکت صفرمراد نیازف، رئیس جمهور سابق ترکمنستان در ایجاد تقویم ترکمنی برای پایان بخشیدن به استفاده از تقویم میلادی در این کشور بود که پس از مرگ او به فراموشی سپرده شد. مشابه این اقدام در ایران توسط پهلوی دوم انجام شد. وی پس از یک کاسه کردن احزاب کشور و ایجاد حزب رستاخیز دستور تغییر تقویم کشور از هجری شمسی به شاهنشاهی را داد؛ حرکتی که پس از تصویب در مجلسین وقت شورای ملی و سنا با اعلام رسمی دربار در ۲۰ آذر ۱۲۵۴ رسمی شد. براساس این تقویم، سال جلوس کوروش بر تخت سلطنت که براساس آن آغاز سلطنت پهلوی دوم در سال ۱۳۲۰ برابر با ۲۵۰۰ سال سلطنت کوروش می شد، به عنوان مبدأ تاریخ شاهنشاهی پذیرفته شد. البته دوران رسمی بودن این تقویم در ایران حتی از دوران رسمیت تقویم ترکمنی در ترکمنستان عصر نیازف کمتر نبود و هنوز پهلوی دوم شاه محسوب می شد که به دستور خود وی این تقویم رسمیتش را از دست داد و بار دیگر تقویم هجری شمسی تقویم رسمی کشور شد. این مهم پس از اعتراضات گسترده مردم و روحانیون و به عنوان حرکتی ازسوی پهلوی دوم برای آشتی ملی هم زمان با معرفی جعفر شریف امامی، رئیس مجلس سنا به عنوان نخست وزیر دولت آشتی ملی در ۵ شهریور ۱۳۵۷ رخ داد تا شاید آبی باشد بر آتش خشم ملت ایران از اقدامات پهلوی دوم، که البته این گونه نشد.

اولین محاصره قرات در کربلا

روز ششم محرم سال ۶۱ هجری، عمر بن سعد نامه‌ای به این مضمون از عبیداد... دریافت کرد که: «با سپاهیان خود بین امام حسین (ع) و اصحابش و آب فرات فاصله بینداز!». عمر بن سعد ۵۰۰ سوار را در کنار شریعه فرات مستقر کرد.

یکی از آن‌ها فریاد زد: «ای حسین! به خدا سوگند که قطره‌ای از این آب را نخواهی آشامید تا از عطش جان دهی». حضرت فرمود: «خدا یا! او را از تشنگی هلاک کن و هرگز او را مشمول رحمت قرار مده.»

تعداد نظامیانی را که لباس و سلاح جنگی و حقوق از حکومت غاصب بنی امیه گرفته و به جنگ امام حسین (ع) آمده بودند، بالغ بر ۴۰ هزار جنگجو نوشته‌اند.

عمر بن سعد، مردی به نام ازرق را با ۴۰۰ سوار به سوی ۹۰ نفر از مردان قبیله بنی اسد که برای یاری امام حسین (ع) به سمت پهلوی ایشان در حرکت بودند، فرستاد. آنان در میان راه با یکدیگر درگیر شدند، در حالیکه فاصله چندانی با امام حسین (ع) نداشتند. هنگامی که یاران بنی اسد دانستند تاب مقاومت ندارند، در تاریکی شب پراکنده شدند.

عاشورا و اسطوره

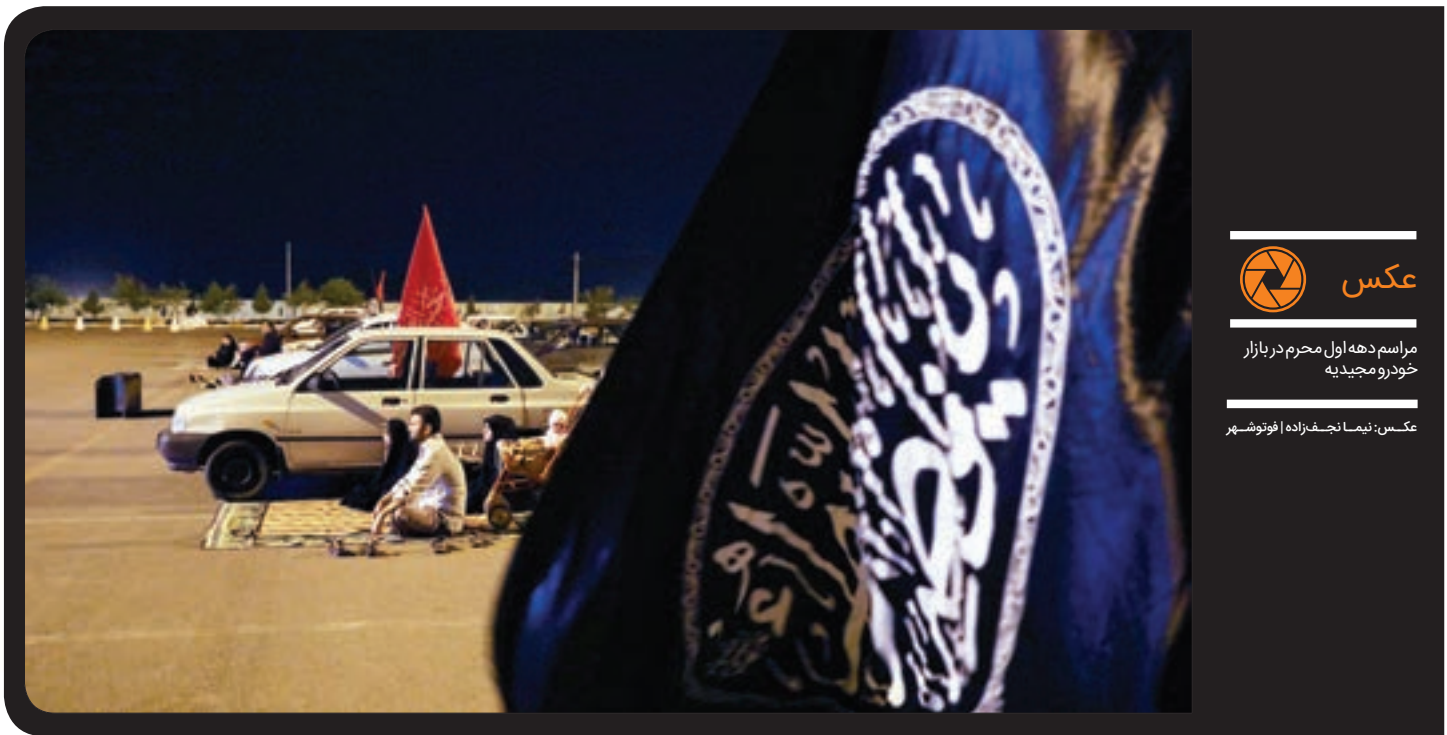


جواب جعفریان
عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی

محاسنی دارد و معایبی. از محاسن این پیوند، تمهید حضور گسترده «عاشورا» ست در عرصه هنرها و تسهیل نفوذ و رسوخ «عاشورا» ست در عواطف عامه و ذهن‌های خوگر به عوالم اساطیری. از معایب این پیوند، تسهیل امکان تحریف حقایق تاریخی و نیز تمهید جلوس عواطف است بر اریکه عقل و ابتعاد ما از عقلانیت در تحلیل «عاشورا».

پیوند گرفتن رخدادی شگفت و سترگ چون واقعه عاشورا با جهان اسطوره‌ها، امری است ناگزیر. هیچ رخداد تاریخی عظیم از این دست نیست که به ناگزیر و در وجدان جماعت، با اساطیر وارد بده پستان نشود. چنین پیوند بیوسان را گسلانیدن نتوان. لیک باید همواره هشیارانه چگونگی‌های این پیوند را

سازیم و به روایت خشک تاریخی که مخاطبش غالبا اهل تخصص‌اند و لا غیر، بسنده کنیم، که می‌دانم و می‌دانید، شدنی نیست؛ یا باید به روایت‌های سینمایی هم مجال ظهور و بروز دهیم و لیک نگذاریم روایت تاریخی به کلی تحت الشعاع روایت‌های سینمایی قرار گیرد و همواره بیننده و مخاطب را به تفاوت‌های سرشتین روایت‌های سینمایی و روایت‌های تاریخی (که مقوله‌ای است جهانی و اختصاصی هم به ما ندارد) توجه دهیم. تا همواره تفاوت داستان و تاریخ و اسطوره و واقع و مجاز و حقیقت، مدنظر باشد؛ درست همان طوره که مخاطبان مطلع آثار هنری و مثلا بینندگان تعزیه، میان شمر تعزیه و شمر تاریخ فرق می‌گذارند و هریک را به جای خویش می‌نشانند و فهم می‌کنند و هیچ‌گاه شمر تعزیه را به جرم مساهمت در فاجعه کربلا و شهادت ولی خدا به محکمه نمی‌کشاند.



مراسم دهه اول محرم در بازار خودرو مجیدیه

عکس: نیما نجف‌زاده افروز شهر

یاد تو

از دل مگو و هزار رقم بی قرار تو نیست چون کوهی از حرارت و غم بی قرار تو نیست

هر روز صبح در دل آتشوب ناز دای نیست هر شب به آفتاب قسم بی قرار تو نیست

چشمم گرفته دامن یاران و می رسد چون ابرها قدم به قدم بی قرار تو نیست

یک سال بغض کرده حسین به تو خوش زنجیر و سنج و توبل و علم بی قرار تو نیست

دور از تو ام و تشنگی ما طبیعیه است وقتی که گرد و خاک حرم بی قرار تو نیست

ما دم گرفته ایم به ذکر تو یا حسین هیئت نفس نفس همه دم بی قرار تو نیست

در سینه شعری یاد تو را شعله می کشد تو دست‌های خسته قلم بی قرار تو نیست

اباصلت رضوانی

فتح خون

«راوی: حسین دیگر هیچ نداشت که فدا کند، جز جان که میان او و ادای امانت اولی فاصله بود... و این‌جا سدره المنتهی است. نه... که او سدره المنتهی را آن‌گاه پشت سر نهاده بود که از مکه پای در طریق کربلا نهاده... و جبرائیل تنها تا سدره المنتهی هم سفر معراج انسان است. او آن‌گاه که اراده کرد تا از مکه خارج شود گفته بود: مَنْ كَانَ فِينَا يَإِذَا لَا مُهَيَّجَةً وَ مُطْلَأَ عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ الْفَيْحُ فَيُخْرِجُ مَعْنَا، فَانْتِ رَاحِلُ أَنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى. سدره المنتهی مرد زار قلمرو فرشتگان است، عقل بی اختیار، اما قلمرو آل کسا، ساحت امانت‌داری و اختیار است و جبرائیل را آن جابر نمی‌دهند که هیچ، بال می‌سوزانند. آن جاساحت‌انی اعلم ما لاتعلمون است، آن جاساحت علم لدنی است، رازداری خزاین آسمان‌ها و زمین؛ آن جاساحت‌فانی فی الله است و بقای بالله، و مرد این میدان کسی است که با اختیار، از اختیار خویش درگذرد و طفل اراده اش را در آستان ارادت قربانی کند... و چون این چنین کرد، درمی‌یابد که غیر او را در عالم اختیار و اراده‌ای نیست و هر چه هست اوست. فرشتگان عقل به تماشا که راز آمده‌اند و مبهوت از تجلیات علم لدنی انسان، به سجده افتاده‌اند تا آسمان‌ها و زمین، کران تا کران، به تسخیر انسان کامل درآید و رشته اختیار دهر به اوسپرده شود؛ اما انسان تا کامل نشود، در نخواهد یافت که دهر، بر همین شیوه که می‌چرخد، احسن است.

فتح خون/ نوشته سید مرتضی آوینی
نشر و احوه/ قیمت ۲۰ هزار تومان